



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حضرت خدیجہ (س) مادر ام ایہا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت خدیجه (س) مادر ام ابیها

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

التوحید

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	حضرت خدیجه (س) مادر ام اییها
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۸	ایثار و فداکاری خدیجه
۹	اوصاف و فضایل خدیجه علیهاالسلام
۱۰	بانوی دانشمند و صاحب کمال
۱۱	گفتار صاحب طبقات درباره خدیجه
۱۲	فرزندان خدیجه
۱۲	پی نوشتها
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حضرت خدیجه (س) مادر ام ایها

مشخصات کتاب

مؤلف: جمعی از نویسندگان

ناشر: التوحید

مقدمه

خدیجه این بانوی آگاه و پاک‌سرشت، و این دل‌باخته‌ی فضیلت و معنویت، که اعتقاد به حق و حقیقت و تمایل به فضایل و کمالات، از خصایص ذاتی او بود، از همان دوران جوانی نیز یکی از مشهورترین زنان حجاز و عرب به شمار می‌رفت. وی که نخستین زن تاجر عرب و یکی از بزرگترین شخصیت‌های تجاری حجاز بود، حتی پیش از ازدواج با پیامبر نیز، از شهرتی شایسته برخوردار بود. چنان که نام وی نه تنها در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ اعراب و قبائل عرب و در آثار و نوشته‌های مورخین غیراسلامی نیز، به عظمت و تجلیل، یاد شده است. خدیجه در کار تجارت خود نیز، بر اساس همان خصوصیات و خصلت‌های برجسته‌ی انسانیش، گام برمی‌داشت. هرگز تجارت را به عنوان وسیله‌ای برای کسب درآمدهای سرشار، به هر طریق و به هر شکل که باشد، نگاه نمی‌کرد. هرگز در پی سودجویی و منفعت‌طلبی‌های شخصی و بی‌رویه نبود. از این رو همواره سعی داشت که تجارت خود را به دور از آلودگی‌ها، و عاری از درآمدهای ناصحیح، انجام دهد، و از عوایدی که از راه‌هایی چون احتکار و کم‌فروشی و گران‌فروشی و رباخواری و نظایر آن به دست می‌آید، مصون دارد. بر این اساس خدیجه هرگز تجارت خود را، به این گناهان نابخشودنی آلوده نکرد، و داد و ستدهایش را جز از راه‌های مشروع و اصولی انجام نداد. همین خصوصیات انسانی، و روش و رفتار معقول و منطقی باعث شده بود که اطمینان و اعتماد گروه‌ها و طبقات مختلف مردم، به او جلب شود و راه پیشرفت و ترقی از راه‌های مشروع و افزایش درآمدهای حلال، برای او هموار گردد. تا جایی که درباره‌ی موفقیت‌های تجاری او، و ثروت سرشاری که از این راه فرادست آورده بود، در تواریخ و متون مختلف نوشته‌اند: «هزاران شتر در دست خدمه و کارکنان خدیجه بود که در اطراف کشورهای چون مصر، شام و حبشه در راه تجارت، مشغول رفت و آمد و داد و ستد و نقل و انتقال کالاهای تجاری بودند.» (۱) با این که حضرت رسول، پس از وفات خدیجه با برخی از زنان دیگر مانند عایشه، صفیه، ام‌سلمه، و ... هم وصلت نموده، ولی در تمام مدتی که همسران دیگری در خانه داشت، باز از خدیجه به شایستگی یاد می‌کرد، نام او را با احترام می‌برد و همواره خاطره‌ی او را گرامی و عزیز می‌داشت چنان که درباره‌اش می‌فرمود: «هرگز خداوند متعال بهتر از او را بر من نصیب نفرموده است. او روزی که من نیاز به کمک داشتم، به یاری‌ام آمد و دستم را با مهر و عطوفت گرفت؛ روزی که من ایمان آورد که جهانیان نسبت به من کفر می‌ورزیدند، و روزی مرا تصدیق کرد که جهانیان تکذیب می‌کردند، خداوند از او به من اولاد عنایت کرد.»

ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در آن زمانی که خدیجه به عنوان زن نخست عرصه‌ی تجارت، نام و شهرت یافته بود، پیامبر اسلام دوران جوانی خود را طی می‌کرد. در آن سال‌ها مردم پیامبر اسلام را به خاطر پاکی و راستی و درستی فوق‌العاده و امانتداری بی‌مانندی که از خود نشان داده بود، به لقب «محمد امین» ملقب ساخته بودند. و همه جا نام او را توأم با این صفت گویا و رسا، که نشان دهنده‌ی یکی از خصلت‌های ویژه‌ی آن حضرت بود، بر زبان می‌آوردند. این آوازه‌ی درستی و امانت که در مکه توأم با ادای احترام به امین، گستره

شده بود، خدیجه را نیز به سوی این جوان درستکار و امانت‌دار، جلب و جذب کرد به طوری که در پی ملاقاتی که در حضور ابوطالب با محمدامین انجام داد، وی را به عنوان قافله سالار کاروان تجارتنی، و سرپرست امور مربوط به داد و ستدهای خود برگزید بدین سان پیامبر عالیقدر اسلام در دوران جوانی، چندین بار با کاروان خدیجه به سفرهای تجارتنی رفت، و با هوش سرشار و اندیشه‌ی منطقی و داد و ستدهای معقول و درست، سود فراوان فرادست آورد. و به مکه بازگشت. همین توفیق غیر منتظره در امر تجارت که خدیجه پیش از آن هرگز نظیرش را ندیده بود، توجه و اعتماد و اطمینان خردمندترین زن حجاز را بیش از پیش به درستی و امانتداری محمدامین، جلب کرد. آنچه بدین سان خدیجه در وجود این جوان پاک و پاک سرشت، یافته بود، چنان باعث دگرگونی فکر و اندیشه و دیدگاهش شد، که یکسره در مسیر زندگی و طرز تفکر خود، تجدیدنظر کرد. وی پیش از آن دو بار ازدواج کرده، و هر دو همسرش - «عتیق بن عائذ» و «هند بن بناس» - را بر اثر مرگ آنان از دست داده بود. در پی از کف دادن دومین شوهرش، نسبت به زندگی، دیدگاه خاصی پیدا کرده و بر آن شده بود که از آن پس همه‌ی عمر را تنها و مستقل، زندگی کند و اختیار زندگی و ثروتش را به دست هیچ کس و با هیچ عنوانی نسپارد. شاید این تصمیم از آن جا ناشی شده بود که او با آن روحیه خاص و اندیشه‌ی والا و درون پاک و صفات برجسته‌اش، هیچ فردی را شایسته‌ی همسری خود نمی‌دانست، و به چنان حدی از استقلال طلبی رسیده بود که ترجیح می‌داد در بازمانده‌ی سال‌های عمرش، به هیچ فردی وابسته و به هیچ کس متکی نباشد. اما خصوصیات بی‌مانند محمدصلی الله علیه و آله‌های اندیشه را از ذهن او زدود. عظمت روح و تعالی فکر و الایبی روش زندگی محمدصلی الله علیه و آله‌های او چنان جاذبه‌ای داشت که یک باره از تصمیم پیشین خود درگذشت، و آن استقلال طلبی خاص خود را کنار گذاشت، و تصمیم گرفت از آن پس زندگی خود را با زندگی چنان مرد یگانه‌ای پیوند زند و در هم بیامیزد. جاذبه‌ی صداقت و راستی و پاکی محمدامین چنان بود که حتی بر غرور خدیجه نیز، فائق آمد. به طوری که خود داوطلبانه قدم پیش گذاشت، و به آن جوان والا و بی‌مانند پیشنهاد ازدواج داد. یک روز محمدصلی الله علیه و آله را به ملاقات خود طلبید و در این دیدار، پرده از راز دل برگرفت. و به صراحت از آنچه در اندیشه داشت، سخن گفت: «ای محمد من تو را مردی شریف و امانتدار و انسانی در اوج اصالت و صداقت و پاکی و راستی یافتم، که خود را پاک و مطهر نگاه داشتی و کمترین غباری از ناچیزترین آلودگی‌ها نیز بر دامت ننشسته است. تو خوش خلق و امین و راستگویی، از راست گفتن به هیچ قیمتی پاک نداری، و اصالت‌های انسانی خود را در برابر هیچ چیز از دست فرو نمی‌نهی. این خصوصیات انسانی و خصلت‌های برجسته و شایسته‌ات، مرا چنان جلب و جذب کرده است که اکنون میل دارم پیشنهاد همسری و هم‌آشپانی با تو را مطرح کنم. اگر با پیشنهاد من توافق داری من آماده‌ام تا هر وقت که مناسب باشد، مراسم ازدواج را به جا آوریم.» (۲) آری بدین سان خدیجه علی‌رغم رسوم و سنت‌هایی که در سرزمین حجاز آن روز رایج بود، شاید نخستین زنی بود که به جای انتظار خواستگاری از سوی مرد، خود قدم به میدان می‌گذاشت تا از شوهر آینده‌اش خواستار ازدواج شود. البته خضوع و فروتنی یک زن در برابر فضائل و ملکات والای انسانی، هیچ گونه شگفتی ندارد. چه شده بود، چه پیش آمده بود، که یک باره یک زن برجسته و سرشناس عرب، زنی از اشراف که در میان رسوم و سنت‌های دست و پاگیر اشرافی زندگی کرده بود، ناگهان همه‌ی آن قیدها و بندها را می‌گسست، و همه‌ی سنت‌ها را زیر پا می‌نهاد، و بدین سان سرفراز و بالنده پیش می‌آمد تا در برابر چشمان حیرت‌زده‌ی این و آن دست به کاری زند که پیش از آن، شاید هیچ زنی از خانواده‌های معمولی نیز، بدان دست نیازیده بودند؟ راز و رمز این ماجرا تنها در یک نکته نهفته بود: در این که زنی با شخصیت برجسته و اعتبار بی‌مانندش، زنی که بسیاری از زنان و حتی بسیاری از مردان، در برابرش تواضع نشان می‌دادند، اکنون در برابر فضایل برجسته و ملکات والای انسانی که پرتو آن در وجود محمدامین نور می‌افشاند، خود را خاضع و فروتن می‌دید. و این هیچ جای شگفتی ندارد. آری، این خدیجه بود که در برابر شخصیت متعالی و فضایل برجسته و خصوصیات ارزش‌های والای انسانی و خصلت‌های ملکوتی محمدصلی الله علیه و آله چنان خاضع و فروتن شده بود که دیگر برای هیچ کدام از

آن آداب و رسوم و سنت‌های اشرافی ارزشی قائل نبود. این بانوی برجسته و با شخصیت، همان زنی بود که بر زنان و مردان بسیار، فرمان می‌راند، همان زنی بود که چون کاروان‌های تجاری پربارش در جاده‌های عربستان و سرزمین‌های دور و نزدیک آن به راه می‌افتاد، چشم‌ها را خیره می‌کرد و آرزو و اشتیاق هم سخنی با او را، در دل‌ها شعله‌ور می‌ساخت. همان زنی بود که پیش از آن بارها و بارها، دیده شده بود که اشراف و رجال عرب و سران و اقوام طوایف، با ثروت‌های هنگفت و شهرت و موقعیت فراوانی که داشتند، به خواستگاریش می‌آمدند، ولی او تقاضای آنان را نمی‌پذیرفت، و شاید اساساً آنها را شایسته و لایق خواستگاری خویش نمی‌دید. اما اکنون همین زن برجسته و احترام‌انگیز، همین زنی که در تمامی سرزمین حجاز، زنی مانند او نبود، با شور و اشتیاق فراوان و با علاقه و عاطفه‌ای وصف‌ناشدنی، خود قدم به میان نهاده بود، و در طرح پیشنهاد ازدواج، با محمدصلی الله علیه و آله پیش‌قدمی و پیش‌گامی می‌کرد. چنین بود که مقدمات ازدواج محمدصلی الله علیه و آله و خدیجه، صورت پذیرفت و گفتگو درباره‌ی این مزاجت فرخنده، به مرحله‌ی تصمیم و تدارک رسید. خدیجه در این ازدواج، نه تنها آداب و رسوم خواستگاری را دیگرگونه ساخت، بلکه همه‌ی سنت‌های دست و پاگیر ازدواج را که آن زمان در میان اعراب جاهلی رواج داشت، زیر پا نهاد. حتی در مورد مهریه نیز دست به کاری زد که پیش از آن، کسی نظیرش را ندیده بود. با آن که خواستگاران قبلی ثروت‌های کلان و نقدینه‌های گران، در اختیار داشتند و مهریه‌های سنگین و خیره‌کننده عرضه می‌داشتند، باز خدیجه در مورد محمدصلی الله علیه و آله آله‌رفتماری دیگر در پیش گرفت. بدین معنی که مهریه را نیز به جای آن که از سوی مرد باشد، او از مال و ثروت خود قرار داد و مبلغ چهار هزار دیناری را که به عنوان مهریه از آن سخن رفته بود، از دارائی سرشار خود به محمدصلی الله علیه و آله هدیه داد. خدیجه با این برنامه‌ی درخشان اخلاقی، و با این رفتار خیره‌کننده که در عین عظمت و شخصیت و سرافرازی، حکایت از فروتنی و تواضعی با شکوه داشت، نشان داد که به راستی برجستگی و امتیاز اصلی و اساس‌اش از جهت ثروت سرشار و اعتبار تجاری او نیست. بلکه آنچه بدو عمیقاً ارزش و شخصیت و برجستگی می‌بخشید، شکوه اندیشه و طرز تفکر و والائی دیدگاه‌های معنوی او است که نسبت به دیگر زنان ممتاز سرفرازش می‌کند. آری، او شوهری می‌خواست که از لحاظ فضیلت و معنویت برجسته‌ترین مردان زمان و زمانه باشد، و پیدا است که چنین کسی جز پیامبرصلی الله علیه و آله هیچ کس دیگر، نمی‌توانست باشد. «ابن اسحاق» سیره‌نویس قدیمی نیز اعتراف می‌کند که: مقام معنوی و اخلاقی حرمت بی‌مانند خدیجه به جایی رسید که مورد عنایت خاص الهی قرار گرفت. چنان که روزی جبرئیل به هنگام نزول وحی گفت: «ای پیامبر، سلام پروردگار یکتا را به خدیجه برسان.» پیامبر اسلام نیز به خدیجه گفت: «ای خدیجه، اینک جبرئیل درود پروردگار را به تو ابلاغ می‌کند.» آنگاه خدیجه در پاسخ گفت: «خداوند خود سلام است و آغاز سلام و درود از اوست، و درود و سلام بر جبرئیل...»

ایثار و فداکاری خدیجه

گفتگوهای مقدماتی درباره‌ی این ازدواج فرخنده، انجام گرفت. قرارها گذاشته شد. روز موعود تعیین گردید. و در آن روز طی مراسمی ساده، با حضور نزدیک‌ترین کسان و اقوام محمدصلی الله علیه و آله و خدیجه، مراسم ازدواج برگزار شد. در آن روز مبارک خطبه‌ی عقد ازدواج این دو شخصیت بزرگ برجسته توسط عموی محبوب پیامبر اکرم، یعنی ابوطالب که از محترم‌ترین بزرگان و سران قریش بود، خوانده شد و بدین صورت خانه‌ی خدیجه با قدوم مبارک پیامبر اسلام، نور و شکوه و زیبایی معنوی پیدا کرد. ولی هنوز کسی نمی‌دانست که این خانه به زودی خانه‌ی شرافت، محل نزول وحی و نزول گاه جبرئیل و دیگر فرشتگان آسمانی خواهد شد. پس از انجام مراسم و اجرای خطبه‌ی عقد، محمدصلی الله علیه و آله از جای برخاست و به سوی در به راه افتاد. طرز رفتار و شکل حرکتش نشان می‌داد که تصمیم دارد مجلس را ترک گوید، و از آن خانه بیرون رود تا خانه‌ی خود را برای ورود همسر ارجمندش آماده سازد. اما ناگهان صدای خدیجه در قفای محمدصلی الله علیه و آله به این کلمات بلند شد: «ای

محمد کجا می‌روی، که اکنون خانه‌ی من، خانه‌ی تو است، و کلید همه‌ی صندوق‌ها در اختیار تو، و من از امروز کنیز و فرماندار تو هستم». و بدین سان خانه‌ی خدیجه، کاشانه‌ی آرامش و سعادت مشترک این دو شخصیت بزرگوار و برجسته شد و از آن پس محمدصلی الله علیه و آله به آن خانه نقل مکان کرد تا آرامش گم گشته‌ای را که در سنین کودکی با مرگ پدر و مادر از دست داده بود، در این خانه بازیابد. و در آن محیط امن و آرامش، با آسودگی و فراغ بال در مسیر افکار و اندیشه‌های والای خود پیش رود. اما نکته‌ی مهم و چشمگیر دیگری هم در این ازدواج وجود داشت و آن این بود که چنین پیمان زناشویی ساده و ایثارگرانه‌ای، برای پیامبر اسلام ارزشی داشت که خداوند متعال، با حکمت بالغه‌اش، ۱۵ سال بعد آن را به منصفی ظهور درآورد. بدین سان که بر اثر این پیوند زناشویی، تمامی ثروت خدیجه در اختیار حضرت محمدصلی الله علیه و آله قرار گرفت و آن حضرت نیز پس از مبعوث شدن به پیامبری، تمام آن ثروت هنگفت را در راه پیشرفت اسلام و در راه خدا صرف کرد. خدیجه برای پیامبر اسلام نمونه‌ی یک همسر فداکار و ایثارگر بود. از همان آغاز زندگی مشترک تا آخرین لحظه‌ی حیات پرتنم خویشت، در تمام مدت بهترین یار و یاور و مهربان‌ترین مونس پیامبر محسوب می‌شد. در روزهای آرامش نزدیک‌ترین همدم پیامبر، در ایام دشواری و در گیرودار شاداید زندگی صبورترین و پرتحمل‌ترین مددکار، و در تمام حوادث سخت و مصیبت‌های پی‌درپی قوی‌ترین پشتیبان و همقدم و همراه رسول اکرم بود. در تمام شدائد و دشواری‌هایی که در سال‌های بعد از بعثت برای پیامبر و مسلمانان رخ می‌داد، خدیجه نه تنها مونس پیامبر و موجب تسلی خاطرش بود، بلکه چون مادری مهربان برای تمام مسلمانان نیز مایه‌ی امید و پشت گرمی و قوت قلب به شمار می‌رفت، و با صبر و شکیبایی بی‌حساب و قدرت تحمل شگفت‌انگیز و پایداری و مقاومت شگرفش سرمشق دیگران نیز قرار می‌گرفت. علاوه بر آن هرگز از بذل مال فراوانش در راه هدف الهی پیامبر و گسترش و تقویت اسلام دریغ نورزید. با آن قدرت مالی و شهرت و مقامی که داشت، و با آن که قادر بود بهترین زندگی‌ها را داشته باشد و در کمال نعمت و رفاه و آسایش بسر برد، ولی تمام مظاهر زندگی دنیوی را به دور ریخت و در عوض با تمام ناملایماتی که به خاطر زندگی با پیامبر بر او روی آورده بود دست و پنجه نرم کرد. سال‌ها، با زجر و شکنجه شوهر بزرگوارش، با تهدیدهایی که بر زندگی هر دو سایه انداخته بود، و با تن دادن به تبعید و محاصره و حتی تحمل روزهای گرسنگی و شب‌های بیداری، به آسانی کنار آمد، تا هر روز قدمی تازه در راه نیل به اهداف عالی‌ی اسلام و پیاده کردن برنامه‌های قرآن و پیشرفت مکتب انسان‌ساز اسلام بردارد. در تمام شدائد و دشواری‌هایی که در سال‌های بعد از بعثت برای پیامبر و مسلمانان رخ می‌داد، خدیجه نه تنها مونس پیامبر و موجب تسلی خاطرش بود، بلکه چون مادری مهربان برای تمام مسلمانان نیز مایه‌ی امید و پشت گرمی و قوت قلب به شمار می‌رفت، و با صبر و شکیبایی بی‌حساب و قدرت تحمل شگفت‌انگیز و پایداری و مقاومت شگرفش سرمشق دیگران نیز قرار می‌گرفت. علاوه بر آن هرگز از بذل مال فراوانش در راه هدف الهی پیامبر و گسترش و تقویت اسلام دریغ نورزید.

اوصاف و فضایل خدیجه علیهاالسلام

این بانوی بزرگوار و الگوی ممتاز زن مسلمان، در نزد پیامبر اکرم از احترام و محبوبیت خاص برخوردار بود. رسول گرامی، آن خاتون محترم را بسیار دوست می‌داشت، به مهر و درایت او آگاه بود. و از این رو در کارهای خود با وی نه فقط مانند یک همسر، بلکه همچون یک دوست فهیم و دلسوز و یار صمیمی، مشورت می‌کرد و به نظریاتی که خدیجه ابراز می‌داشت، با دیده‌ی احترام می‌نگریست. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «این جمله را از خود پیامبر اسلام شنیدم که فرمود: بهترین زنان بنی‌اسرائیل در عصر گذشته، مریم بنت عمران، و بهترین زنان امت، امروز خدیجه بنت خویلد است. (۳) البته مقام والا و احترام و شخصیت خدیجه علیهاالسلام را نباید با معیارهای عادی سنجید، چه مقام و احترام آن بزرگوار چنان بالا گرفت که خداوند تبارک و تعالی به وسیله جبرئیل برای او سلام فرستاد و او را به پاداشی عظیم وعده داد که هیچ کس دیگری، اعم از گذشتگان یا

معاصرینش یا از اصحاب رسول خدا، بدان مقام نرسیده بودند. بخاری یکی از محدثین بزرگ اهل سنت که یکی از شش «صحیح» عمده و معتبر جهان تسنن از آن اوست، نقل می‌کند: «عایشه می‌گوید: درباره‌ی هیچ زنی به اندازه‌ی خدیجه حسرت نکشیدم و حسادت نبردم وقتی شنیدم که پروردگارش او را به بهشت وعده داده است.» (۴) این سخن عایشه، دور از واقعیت نبوده است. چون می‌دانیم که خدیجه نخستین همسری است که پیامبر اکرم قبل از آغاز رسالت اختیار کرده و مدتی طولانی، نزدیک به ۲۵ سال با وی زندگی کرده است. با این که حضرت رسول، پس از وفات خدیجه با برخی از زنان دیگر مانند عایشه، صفیه، ام سلمه، و ... هم وصلت نموده، ولی در تمام مدتی که همسران دیگری در خانه داشت، باز از خدیجه به شایستگی یاد می‌کرد، نام او را با احترام می‌برد و همواره خاطره‌ی او را گرمی و عزیز می‌داشت چنان که درباره‌اش می‌فرمود: «هرگز خداوند متعال بهتر از او را بر من نصیب نفرموده است. او روزی که من نیاز به کمک داشتم، به یاری‌ام آمد و دستم را با مهر و عطف گرفت؛ روزی که من ایمان آوردم که جهانیان نسبت به من کفر می‌ورزیدند، و روزی مرا تصدیق کرد که جهانیان تکذیب می‌کردند، خداوند از او به من اولاد عنایت کرد.» (۵) این سخنان صریح و بی‌شائبه از زبان مبارک پیامبر گرامی اسلام به خوبی می‌رساند که خدیجه از چه موقعیت ممتازی در نزد پیامبر، و از چه شخصیتی برخوردار بوده است. عایشه می‌گوید: روزی نمی‌شد که پیامبر اسلام از خدیجه ذکر خیری به میان نیاورد. به حدی که روزی غیرت و تعصب زنانه بر من غالب شد و با همان حال (حسادت) گفتم: آیا او زن سالخورده‌ای نبود که خداوند متعال بهتر از او نصیب تو کرده است؟ (منظور عایشه از این سخن، ابراز وجود و بیان ارزش خودش بوده است، زیرا خود را که زنی بسیار جوان بود با حضرت خدیجه مقایسه کرده و خواسته است که امتیاز جوانی خود را مطرح کند. اما خودش ادامه می‌دهد): پیامبر اسلام به شدت غضبناک شد، به حدی که موهای جلوی سر مبارکش از شدت غضب تکان خورد و آنگاه آن جملات تحسین‌آمیز را (که فوقا نقل کردیم) درباره‌ی خدیجه بیان فرمود. و باز عایشه می‌گوید: «هر وقت در منزل گوسفندی ذبح می‌شد، پیامبر اسلام می‌فرمودند: از گوشت آن برای دوستان خدیجه هم بفرستید. روزی به این وضع اعتراض کردم، ولی پیغمبر فرمودند: من دوستان خدیجه را نیز دوست می‌دارم.» (۶) آنچه ذکر شد فقط مشتی از خروار بود. و گرنه احادیث بسیار زیادی در دست داریم که از طریق دانشمندان اهل سنت هم نقل شده است و همه از اوصاف درخشان و شخصیت ممتاز و احترام فوق‌العاده‌ی خدیجه سخن می‌گویند: از جمله در احادیث فراوان از طریق علمای عامه و خاصه، آمده است که: کامل‌ترین و بهترین زنان از نظر ایمان چهار تن بوده‌اند که عبارتند از آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون)، مریم دختر عمران (مادر حضرت عیسی مسیح) خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر پیامبر اسلام. (۷) لذا به خاطر همین اوصاف و فضایل، همین شخصیت و بزرگواری، همین کاردانی و شایستگی و عطف و درایت و سایر امتیازات فوق‌العاده‌ی آن بانوی عزیز بود که پیامبر اسلام، مادامی که خدیجه کبری زنده بود، با زن دیگری ازدواج نکرد و با آن که در آن زمان، شرایط خاص زمانی و مکانی و سنت‌های قومی و منطقه‌ای تعدد زوجات را به صورت امری کاملاً عادی می‌نگریست و مردان بسیاری در یک زمان چند همسر در خانه داشتند، و با آن که قوانین اسلام نیز با تحقق شرایط لازم این اجازه را در اختیار هر فرد عادی هم می‌گذاشت - چه رسد به پیامبر خدا - باز رسول اکرم هم هرگز در طول حیات خدیجه از این حق خود استفاده نکرد. نکته‌ی مهم آن که خدیجه در حساس‌ترین شرایط زندگی پیامبر اسلام - چه آن زمان که وجود مبارکش در آستانه‌ی نزول وحی قرار داشت و همه چیز دگرگون شده بود، و چه آن زمان که وحی الهی بر قلب پاکش نازل می‌شد و جهانی را به لرزه درمی‌آورد - همواره رسول اکرم را به خوبی درک می‌کرد. او را به طور صحیح شناخت و به واقعیت‌های والای وجودش پی برد. رسالت او را به روشنی فهمید و آن را با تمام جانش پذیرفت و با همه‌ی توان خود در راه تثبیت و گسترش آن ایستادگی کرد. و به راستی که کمتر همسری می‌تواند این چنین حساس و فهمیده و با کمال و عمیق و عالم و واقع‌بین باشد.

در شرح اوصاف و فضایل خدیجه، سخن تمام نمی‌شود مگر آن که به مراتب فضل و دانش وی نیز اشاره کنیم و بگوییم که او زنی دانشمند، پر تجربه، بسیار فهیم، بسیار روشن بین و صاحب کمال بود. هر مسأله‌ای را به دقت بررسی می‌کرد، هرگز بدون علم و اندیشه چیزی را نمی‌پذیرفت و بدون تفکر و تعمق حرفی نمی‌زد. در آغاز رسالت به محض آن که متوجه شد تغییرات غیر عادی در پیامبر ایجاد شده و حتی وضع جسمانی آن حضرت و اعمال و رفتار و حرکاتش دگرگون شده است، در آن شرایط حساس، با دقت و تدبر و تفکر ویژه‌ای که داشت، بهتر و دقیق‌تر از بزرگترین دانشمندان علم روانشناسی به اصل مسأله پی برد و با قاطعیت و صراحت اعلام کرد که تمام آن تغییرات و پیدایش آن وضع خاص جسمانی برای پیامبر، آثار یک دگرگونی و تحول عمیق روحی و معنوی است و هیچ عارضه‌ی دیگری وجود ندارد. در زمانی بعضی از آشنایان و اطرافیان از گوشه و کنار و گاه به طور جسته گریخته و گاه آشکارا برای تغییر حال پیامبر ابراز نگرانی می‌کردند، خدیجه با روشن بینی خاص و درک هوشمندانه‌اش خطاب به پیامبر گفت: «خداوند تو را هرگز عاجز و ناتوان می‌سازد (و به بیماری‌های سخت جسمانی که باعث عدم تعدل و زمینگیری شوند دچار نمی‌کند) چون تو در زندگی خود همیشه صله‌ی رحم داشته و داری، مهمانی می‌دهی و مهمان‌دوستی و مهمان‌نوازی می‌کنی، از مستمندان و درماندگان دستگیری می‌کنی و فریادرس مظلومان هستی.» (۸) نکته‌ی مهم آن که خدیجه در حساس‌ترین شرایط زندگی پیامبر اسلام - چه آن زمان که وجود مبارکش در آستانه‌ی نزول وحی قرار داشت و همه چیز دگرگون شده بود، و چه آن زمان که وحی الهی بر قلب پاکش نازل می‌شد و جهانی را به لرزه درمی‌آورد - همواره رسول اکرم را به خوبی درک می‌کرد. او را به طور صحیح شناخت و به واقعیت‌های والای وجودش پی برد. رسالت او را به روشنی فهمید و آن را با تمام جانش پذیرفت و با همه‌ی توان خود در راه تثبیت و گسترش آن ایستادگی کرد. و به راستی که کمتر همسری می‌تواند این چنین حساس و فهمیده و با کمال و عمیق و عالم و واقع بین باشد. چنین بانویی، با چنین اوصاف و الایی، علاوه بر تمام امتیازاتش بهترین شریک غم و اندوه پیامبر نیز بود. و این صفتی است که هرگاه زنی منصف بدان باشد، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در زندگی مرد، و در تحکیم اصول و مبانی خانوادگی او به شمار خواهد رفت، به طوری که هرگز زیبایی و جمال و سایر نشانه‌ها و خصوصیات زنانگی نمی‌تواند جای آن را پر سازند. توجه بدین امر، در زندگی خانوادگی خدیجه کاملاً مشهود و آشکار بود و اسناد معتبر حاکی از آن است. «ابن اسحاق» یکی از سیره‌نویسان اولیه و معروف اسلام در این باره می‌گوید: پیامبر اسلام هر چیز مکروهی را که می‌دید و می‌شنید و هر ناروایی را که بر او وارد می‌گردید، محزون و متأثرش می‌ساخت، هنگام بازگشت به خانه با خدیجه در میان می‌گذاشت. و خداوند به وسیله‌ی خدیجه، آن مکروه و ناروا را فرج و گشایش عنایت می‌فرمود. خدیجه همواره او را به ثبات و مقاومت دعوت می‌کرد و با درایت و عطوفت خود دردها و رنج‌ها و آلام پیامبر را تسکین می‌داد (و چنین شریک زندگی و غمگسار مهربانی همیشه یار و مددکار پیامبر بود) تا روزی که خدیجه از دنیا رفت و یک غمخوار فهیم و مصاحب و مشاور مهربان و صمیم از دست رفت... این سیره‌نویس قدیمی نیز اعتراف می‌کند که: مقام معنوی و اخلاقی حرمت بی‌مانند خدیجه به جایی رسید که مورد عنایت خاص الهی قرار گرفت. چنان که روزی جبرئیل به هنگام نزول وحی گفت: «ای پیامبر، سلام پروردگار یکتا را به خدیجه برسان.» پیامبر اسلام نیز به خدیجه گفت: «ای خدیجه، اینک جبرئیل درود پروردگار را به تو ابلاغ می‌کند.» آنگاه خدیجه در پاسخ گفت: «خداوند خود سلام است و آغاز سلام و درود از اوست، و درود و سلام بر جبرئیل...»

گفتار صاحب طبقات درباره خدیجه

«ابن سعد» یکی دیگر از مورخین اسلامی، در کتاب «طبقات» می‌نویسد: «حضرت آدم در بهشت نگاهی به زندگی محمد صلی الله علیه و آله می‌افکند و می‌گوید: یکی از برتری‌های محمد صلی الله علیه و آله بر من این است که همسر او در راه اجرای اوامر

خداوند با شوهرش همکاری و مساعدت نمود، و حال آن که همسر من، مرا در نافرمانی نسبت به دستورهای الهی راه نشان داد.» (۹)

فرزندان خدیجه

از حضرت خدیجه چهار فرزند متولد شدند. پسری به نام قاسم به دنیا آمد که طاهر و طیب لقب داشت، و کنیه‌ی «ابوالقاسم» برای پیامبر اسلام، از نام همین فرزند عزیز گرفته شده است. قاسم دوران نوزادی و شیرخوارگی را مدتی طی کرد و حتی تا مرحله‌ی پاگشودن و به راه افتادن هم زنده بود. اما هنوز از شیر گرفته نشده بود که بنا بر تقدیر الهی از دنیا چشم پوشید و به سرای باقی شتافت. غیر از این فرزند پسر، خدیجه دارای سه دختر نیز شد که اسامی آنان زینب و ام‌کلثوم و فاطمه علیهماالسلام بود. آری شخصیت والایی همچون خدیجه است که در دامان پاکش، پاکدامن‌ترین و پاکیزه‌گوارترین بانوی جهان هستی، یعنی حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، پرورانده می‌شود. آن خورشید تابانی که بنا بر اراده و مشیت الهی، از میان تمام فرزندان پیامبر، برای پدر بزرگوارش باقی می‌ماند، تا برای مادری انوار الهی و سادات جهان، انتخاب شود، و در دامان گهربارش فرزندان همچون ائمه‌ی معصومین علیهم السلام را پرورش دهد که خود، مشعلداران ارشاد و هدایت جهانیان باشند... آری فاطمه سلام الله علیها این چنین مادری داشت که «خدیجه» نامور گشته بود... (۱۰) امام صادق علیه‌السلام نیز به آن اشاره فرموده‌اند: «عن مفضل بن عمر، قال: قلت لابی عبدالله الصادق علیه‌السلام کیف كان ولاده فاطمه علیهاالسلام؟ فقال: نعم؛ ان خدیجه علیهاالسلام لما تزوج بها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هجرتها نسوه مکه فكن لا یدخلن علیها ولا یسلمن علیها ولا یترکن امراه تدخل علیها فاستوحشت لذلك و كان جزعها و غمها حذراً علیها.» (۱۱) آری، چون خدیجه علیهاالسلام به ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد زنان مکه رابطه خود را با خدیجه علیهاالسلام قطع کردند و دیگر به خانه‌ی او نمی‌آمدند. و در هنگام ملاقات به او سلام نمی‌کردند. رفت و آمد دیگران به خانه خدیجه علیهاالسلام را مراقبت کرده، مانع رفتن آنان به خانه او می‌شدند. زنان مکه، خدیجه علیهاالسلام را تنها گذاردند، دیگر با او دوستی نمی‌کردند. خدیجه علیهاالسلام از این موضوع غمگین و ناراحت بوده و وحشت او را فراگرفته بود. این ترک رفت و آمد و محاصره‌ی روحی خدیجه علیهاالسلام با مبعوث شدن پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت شدیدتر شد. در این زمان چون رسول خدا صلی الله علیه و آله را دشمن خود می‌دانستند هرگونه ارتباطی را با خدیجه علیهاالسلام که حامی اصلی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود قطع کردند و خدیجه علیهاالسلام را در آن شرایط سخت تنهای تنها گذاردند.

پی‌نوشت‌ها

۱- تذکره‌الخواص، ج ۲، ص ۳۰۲. ۲- تذکره‌الخواص، ج ۲، ص ۳۰۲. ۳- عمده‌ ابن بطریق، ص ۲۴. ۴- صحیح بخاری، جزو پنجم، باب ۳۰، ص ۱۱۴. ۵- همسران رسول خدا، ص ۱۸. به نقل از استیعاب ابن عبدالبر. ۶- منبر الاسلام و توفیق الاعم. ۷- استیعاب و صحیح بخاری. ۸- سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۶. ۹- طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۳۴. ۱۰- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۱۱. امالی شیخ صدوق، ص ۵۹۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۴۵۲۳۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوآبگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۳۳۱-۵۳۴۵-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبنا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

